

## تأثیر بنیان‌های نظریه هنر قرون وسطی بر نظریه هنر داوینچی با رویکرد آراء امبرتو اکو

### چکیده

پیش از رنسانس، در دوره قرون وسطی، زیبایی به معنای امری قابل درک بود؛ یعنی همانا زیبایی موجود در هماهنگی اخلاقی و آمیخته با شکوه متافیزیکی. به بیانی دیگر زیبایی در خدمت عظمت و شکوه روایت‌های کتاب مقدس بوده و معنای اومانیستی در پی نداشت. نظریه هنر رنسانس پدیده‌ای است که در ایتالیا روی داد و صرفاً در ایتالیا بود که شرایط اجتماعی فکری و هنری دست به دست هم داد و برای مجموعه نظام‌مندی از افکار و اندیشه‌ها درباره هنرهای بصری بستری مناسب مهیا کرد و داوینچی در دگرگونی بزرگ تاریخ مفهوم هنر نقش مهمی را عهده‌دار بوده است. هنر در زمان پس از قرون وسطی، مسیر تحولی را ادامه داد که لازمه آن نگرش اومانیستی بود. زمینه‌های فکری داوینچی موجب بروز نظریه جهانی و ساده درباره اصول زیبایی‌شناسی شد. کتاب «رساله‌ای در باب نقاشی» اثر داوینچی شاهدهی بر این مدعا است؛ چراکه در عصر روشنگری خصوصیات زیبایی‌شناسی دچار تحولی اومانیستی شد. دوران رنسانس، دوران تجدید حیات هنرها، علوم و ریاضیات بود. لئوناردو داوینچی قادر به بازکشف ایده‌های فراموش شده و تبدیل آن‌ها به آفرینش‌های ماندگار بوده و با تکمیل کردن مباحث نظریه قرون وسطی، ایده‌های جدیدی را کشف و توسعه داد. در این پژوهش امبرتو اکو با تشریح زوایای گسترده‌ای از هنر اواخر قرون وسطی، بستری را جهت آنالیز هنر رنسانس را فراهم می‌آورد؛ چراکه هنر رنسانس خود وام‌دار سنت و هنر قرون وسطی است که با تفاوتی چند، در نگرش فلسفی و اجتماعی در عصر روشنگری، سبب‌ساز خلق معنای نوینی است که یادآور سنت‌های هنر یونان باستان و قرون میانه است.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی زیبایی‌شناسی کمی در تابلوی شام آخر لئوناردو داوینچی.
۲. تبیین زیرساخت‌های شکل‌گیری هنر رنسانس و بازتاب آن در تابلوی شام آخر داوینچی با رویکرد نظریات امبرتو اکو.

### سؤالات پژوهش:

۱. معیارهای کمی نظیر تناسب و هماهنگی در شکل‌گیری تابلوی شام آخر لئوناردو داوینچی کدام‌اند؟
۲. مباحث تحلیلی امبرتو اکو، چگونه زیرساخت‌های معیارهای کمی را در تابلوی شام آخر را نشان می‌دهد؟

**کلیدواژه‌ها:** هنر قرون وسطی، نظریه هنر رنسانس، لئوناردو داوینچی، امبرتو اکو.

## مقدمه

ایجاد تجربه زیباشناختی، اصلی‌ترین امکان در مقوله هنر است که از دوره باستان سرگذشتی کمابیش یک‌دست از آن گزارش شده است. با وجود اختلاف نظر فیلسوفان در این دوره، شگردهای که هنرمندان برای تولیدات خود به کار می‌بردند، از تقلید ناشی می‌شدند و در کارهای آنان تفاوت‌هایی در موضوع تقلید، شیوه تقلید، هدف و ماهیت تقلید ملاحظه می‌شود. البته در شگردهای ایجاد تجربه زیباشناختی نظر فیلسوفان مختلف بسته به رویکرد متفاوت آن‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد. به‌عنوان مثال، در اندیشه سقراط و افلاطون گفته می‌شود شگرد یک هنرمند که گمان می‌رود کار او تأثیرگذار و اغواگرانه باشد، می‌مسیس یا تقلید است. اما شگرد هنرمند اصیل را که سودای اغواگری ندارد، معرفت و میزان آگاهی او از ایده نیک مشخص می‌سازد. این اندیشه به دوره‌ای تعلق دارد که لفظ معادل هنر تخته بوده است. کلمه‌ای با بار معنایی و مصداقی وسیع‌تر از هنر که به‌طور قطع در زمان خود تعریف هنر و هنرمند را تحت‌شعاع قرار داده بود. ادعاهای هنری در دوره رنسانس که می‌توان به آن‌ها اشاره کرد، تحول‌گایت و کارکرد نقاشی و پیکره‌تراشی است، زیرا در آن زمان هنر از جنبه تبلیغ دینی و ترویج مفاهیم کلیسای خارج و از شخصیت‌های دینی اسطوره‌زدایی شده بود و در آن دوران هنر پیش از آن که خادم کلیسا و راهنمای قدیسان باشد، برای اسطوره‌زدایی و تقدس‌زدایی از شهرهای قدیسان به کار رفته است. از این‌رو نقاشی و پیکره‌های ساخته شده در آن دوره از هاله قدسی و چهره الهی برخوردار نیستند و برعکس هنرمندان تلاش کردند تا چهره‌های قدیسان و واقع‌نمایانه زمینی و دنیوی نمایش دهند (بختیاریان، ۱۳۹۹: ۶۴-۶۵).

با فرارسیدن رنسانس، نگاه انسان از پیشه‌ورز بودن، متوجه هنرمند بودن شد. هنرمند در این دوره بازتعریف شد و کسی بود که می‌توانست جدا از احکامی که در هنر به او دیکته می‌شد، آثاری بر پایه فرهنگ اومانیسم خلق کند. هرچند که مشابهات موضوعی مسیحی در هر دو دوره وجود داشت، اما شیوه بیان متفاوت بود. سوژه‌های انسانی در هنر رنسانس زمینی‌تر، ملموس‌تر و الهام‌بخش تلقی می‌شد؛ در صورتی که سوژه‌های انسانی موجود در هنر قرون وسطی، دست‌نیافتنی، ازلی و ماورایی به‌نظر می‌رسید. عصر رنسانس به‌ویژه در ایتالیا، عصری طلایی است. مورخانی که در قرن نوزدهم می‌زیستند و نوسازی‌های رنسانس در همه حوزه‌ها از هنر گرفته تا علم را با شیفتگی می‌نگریستند، گاه به این عصر وجه آرمانی می‌دادند. از آنجا که تقلید صحیح چنین نقش مهمی در اندیشه‌های زیباشناختی این دوران ایفا می‌کرد و ارزش بسیاری در هنر داشت، نظام و مؤلفه‌های بسیار متنوعی با این مفهوم درآمیخته بود. در بحث از تقلید صحیح<sup>۱</sup> نخستین حوزه "صحت مادی"<sup>۲</sup> بازنمایی نام دارد؛ بدین معنا که هنرمند می‌کوشد طبیعت را تا حد ممکن واضح و دقیق آنچه را که با فن هست بازنمایی کند. طبیعت در اینجا شامل تمامی اشیا طبیعی و مصنوعی می‌شود که در تجربه روزمره با آن مواجه می‌شویم. اما معمول‌ترین و شایع‌ترین حوزه بازنمایی بدن انسان است. دومین نوع صحت را

---

<sup>۱</sup> True imitation

<sup>۲</sup> Material truth

می‌توان "صحت فرمی"<sup>۳</sup> نامید که مربوط می‌شود به توجه هنرمند به شیوه‌ی بازنمایی این موضوع آن هنرمندان رنسانس می‌پوشیدند، شیوه‌ی بازنمایی را به روش علمی مطمئنی تبدیل کنند؛ به‌نحوی که بتوان صحت آن را اثبات کرد (باراش، ۱۳۹۹: ۱۹۰).

لئوناردو داوینچی که معروف‌ترین رساله‌ی پاراگونه به قلم او است، می‌کوشید خوانندگانش را متقاعد کند که نقاشی نه فقط برتر از سایر هنرها است، بلکه همچنین با شعر و با موسیقی رابطه‌ی نزدیک‌تری دارد تا با مجسمه‌سازی (داوینچی، ۱۹۵۶، ۴۴-۱). داوینچی مشهورترین و نه البته واپسین طرفدار این نگرش بود. تقلید از طبیعت آزموده، مبنا و اندیشه‌ی کانونی نظریه‌ی هنر رنسانس است. البته نقطه‌ی عزیمت این نظریه بی‌شک شیوه‌های عمل و آموزه‌های قرون‌وسطی است.

هنر رنسانس به‌جای کتاب‌های سرمشق مشاهده‌ی مستقیم طبیعت را می‌نشانند اما این نظریه همچنین از حیث خصوصیت کلی نیز متفاوت است؛ بدین معنا که رویکرد و قرون‌وسطی‌ای را می‌توان رویکردی بی‌واسطه و بسته دانست، هرچند صرفاً سرمشق‌ها را مدنظر دارد و مستقیماً از آن‌ها تقلید می‌کند رویکرد آن برتری را می‌توان گشوده نامید؛ زیرا می‌کوشد مهارت‌ها و درک هنرمند را پرورش دهد تا بتواند الگوهای بنیادین را از هر بخش طبیعت استخراج کند. نمود واقعی نقاشی در عصر رنسانس به این معنی بود که به‌جای نشان دادن دقیق جزئیات ظاهری یا تصویری سوژه، اثر بتواند هرچه بیشتر حس زندگی را القا کند (آتالای، ۲۰۴: ۱۳۸۹). اصول روش‌شناختی لئوناردو، اصولی بدیع و قابل‌انعطاف هستند و از فشار سنت و یک‌جانبه‌گرایی به دور می‌باشند. اصول کلی او بر مبنای آزمایش (مشاهدات) و ریاضیات بود. او معتقد بود بی‌گمان ما بدون آزمایش نمی‌توانیم از چیزی آگاه شویم و هیچ حقیقتی تا زمانی که از نظر ریاضی اثبات نشود، دانشی حقیقی فراهم نمی‌آورد. پیش از داوینچی، نظریه‌پردازان رنسانس به‌ندرت چنین عقیده‌ای را اتخاذ کرده بودند. او آزمایش را با عمل در پیوندی تنگاتنگ می‌دانست (مفهوم مدرن آزمایش). او به این وسیله آگاهی داشت که هیچ نظریه‌ی درستی بدون عمل وجود ندارد، اما برعکس آن صادق است. تجربه‌ی شخص اساس دانش است.

بررسی پیشینه‌ی پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته‌ی تحریر درنیامده است لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به رشته‌ی تحریر درآمده است، به این موضوع پرداخته می‌شود.

---

<sup>۳</sup> Formal truth

## نتیجه‌گیری

ترکیب کامل نظریه و عمل علم و هنر که ویژگی منحصر به فرد لئوناردو است و بر کل آثار او سایه افکنده به بهترین وجه در تحقیقات کالبدشناختی او متجلی شده است. این تحقیقات که در سرتاسر زندگی لئوناردو ادامه داشت عمدتاً به بررسی بدن‌ها معطوف بود اما مطالعه دقیق آموزه‌های کالبدشناختی یونان باستان و قرون وسطی نیز در آن‌ها به چشم می‌خورد. آنچه از نظر اکو در خصوص کارکرد و اهمیت هنر دریافت می‌شود، نزد قرون وسطی‌ای آن باور فراگیری بوده است. نظریه امبرتو اکو و گرایش‌های کارکردی به تجربه زیباشناختی در بستر هنر قرون وسطی امری قابل تحلیل و تسری بخش بوده، و برخلاف آنچه زمانی تصور می‌شد کسی که هنری را اجرا می‌کند می‌تواند لذت کسب کند؛ رفته‌رفته آرامش و رضایت به قلمرو درک مخاطبان تسری یافته است. این یعنی گسترش یافتن تجربه زیباشناختی که البته هم برای فرد و هم برای اجتماع ماهیت کارکردی از نوع تعلیمی دارد.

این جنبه کارکردی تجربه‌های هنری و زیبایی‌شناختی زمانی پیش‌تر نزد فیثاغوریان نیز ملاحظه شده است. زیرا آن‌ها تجربه زیبایی‌شناختی را تطهیری یا آنچه ارسطو بعدها کار سیاسی خوانده است تعریف کرده‌اند که در پایان نیز با نگاه نسبی‌گرایانه و لذت طلب خود کارکردی در جهت تأمین منافعشان و کارکردی برای ایجاد توهم و خیال تعریف کرده‌اند. از تجربه زیباشناختی و لذت برآمده از آن است که به اهمیت شیوه تقلید در اندیشه داوینچی می‌توان پی‌برد؛ زیرا قرار است کار هنری توأم با لذت مفید باشد و مخاطب را به تفکر فراخواند.

## منابع و مأخذ

- آتالای، بولنت. (۱۳۸۹). ریاضیات و مونا لیزا. ترجمه: فیروزه مقدم. تهران: انتشارات مازیار.
- اید، شان. (۱۳۹۶). هنر و علم. ترجمه: مهرداد گروسی. تهران: نشر علمی-فرهنگی.
- باراش، موشه. (۱۳۹۸). نظریه‌های هنر از افلاطون تا وینکلمان. ترجمه: محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: نشر چشمه.
- بیردزلی، مونرو و جان، هاسپرس. (۱۳۸۷). تاریخ و مسائل زیباشناسی. ترجمه: محمد سعید حنایی کاشانی. تهران: انتشارات هرمس.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۵). دائرةالمعارف هنر. تهران: فرهنگ معاصر.
- پانوفسکی، اروین. (۱۳۹۸). پرسپکتیو به منزله صورت سمبولیک. ترجمه: محمد سپاهی. تهران: نشر چشمه.
- ترانوی، کنوت. (۱۳۷۷). توماس آکویناس. ترجمه: خشایار دیهیمی. تهران: نشر کوچک.
- داوینچی، لئوناردو. (۱۳۹۶). درباره هنر. ترجمه: محمدحامد توکلی. تهران: انتشارات شیپور.

ژیمنز، مارک. (۱۳۹۳). زیبایی‌شناسی چیست؟. ترجمه: محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: نشر ماهی.

سوانه، پیر. (۱۳۸۸). مبانی زیبایی‌شناسی. ترجمه: محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: نشر ماهی.

کنی، آنتونی. (۱۳۷۶). آکوناس. ترجمه: محمد بقایی ماکان. تهران: نشر واژه آرا.

لاکست، ژان. (۱۳۹۰). فلسفه هنر. ترجمه: محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: نشر ماهی

مارگولیس، جوزف. (۱۳۸۹). زیبایی‌شناسی در قرون وسطی. دانشنامه زیبایی‌شناسی. ترجمه: منوچهر صانعی دره‌بیدی و دیگران. تهران: مؤسسه متن.

مارگولیس، جوزف. (۱۳۸۹). زیبایی‌شناسی در قرون وسطی. دانشنامه زیبایی‌شناسی. ویراسته بریس گات، دومینیک مددپور، محمد. (۱۳۷۲). زیبایی‌شناسی در تئولوژی سن توماس. نامه فرهنگ. شماره ۹، ۱۳۹-۱۳۶.

مک‌آیور لوپس. ترجمه: منوچهر صانعی دره‌بیدی و دیگران. تهران: مؤسسه متن.

مورر، آرمند ای. (۱۳۹۲). فلسفه زیبایی‌شناسی تفسیری تومایی. ترجمه: هادی ربیعی. تهران: انتشارات حکمت.

Beck, J. (۱۹۹۳). The Dream of Leonardo da Vinci. *Artibus et Historiae*, ۱۴, ۱۸۸.

Cork, R. (۲۰۱۳). Leonardo da Vinci's masterpiece "The Lady with the Ermine". *The Wall Street Journal*.

D'Anastasio, R., Vezzosi, A., Gallenga, P. E., Pierfelice, L., Sabato, A., & Capasso, L. (۲۰۰۵). Anthropological Analysis of Leonardo da Vinci's Fingerprints. *Anthropologie*, ۴۳, ۵۷-۶۱.

Davinci, Leonardo. (۱۸۷۷). *Treatise on Painting*. Translated by John Francis Rigaud. London: George bell & sons, yorkstreet, covent garden.

Eco, Umberto. (۱۹۸۸). *The Aesthetics of Thomas Aquinas*. Harvard University Press.

<https://doi.org/10.1016/j.jvoice.2020.10.007>

<https://doi.org/10.1111/ijss.v4i6.4997>

<https://doi.org/10.10640/ijhs.v8n3a3>

<https://doi.org/10.19044/esj.2020.v16n14p8>

<https://doi.org/10.2307/1483451>

<https://doi.org/10.3064/jgr.v3i3.2146>

<https://doi.org/10.4236/ahs.2020.94016>

<https://kevinshau.medium.com/lady-with-an-ermine-leonardos-masterpiece-412231f1f158>

<https://news.artnet.com/art-world/secrets-of-da-vincis-lady-with-an-ermine-finally-revealed-117891>

<https://www.bbc.com/news/entertainment-arts-29407093>

<https://www.italymagazine.com/featured-story/leonardo-da-vincis-lady-ermine-history-and-mystery>

<https://www.wsj.com/articles/SB1000142400270230326640040791072611746183886>

Keshelava, G. (2020a). Analysis of Leonardo da Vinci's Mona Lisa del Giocondo. *International Journal of Health Sciences*, 8, 17-20.

Keshelava, G. (2020b). Anatomy of the Respiratory System in the "Portrait of a Musician" by Leonardo da Vinci. *Journal of Voice*, in press.

Keshelava, G. (2020c). Cardiac Anatomy in the "Dreyfus Madonna" by Leonardo da Vinci. *Interactive Cardiovascular and Thoracic Surgery*, in press.

Keshelava, G. (2020d). Hidden Butterfly and Its Complete Metamorphosis in the "Portrait of a Lady" by Leonardo da Vinci". *Advances in Historical Studies*, in press.

Keshelava, G. (2020e). Hidden Map of North America in "Bacchus" by Leonardo da Vinci. *Journal of Geographical Research*, 33, 33-36.

Keshelava, G. (2020f). Interpretation of "Madonna of the Yarnwinder" by Leonardo da Vinci. *International Journal of Social Science Studies*, 8, 73-76.

Keshelava, G. (2020g). Neuroanatomical interpretation of Peter Paul Rubens's Copy of "The Battle of Anghiari" by Leonardo da Vinci. *European Scientific Journal*, 16, 8-10.

Morelli, L. (2020). Leonardo da Vinci's 'Lady with the Ermine': History and Mystery. *Italy Magazine*.

Munoz-Alonso, L. (2014). Secrets of da Vinci's Lady with an Ermine Finally Revealed. *Art World*.

Nikkhah, R. (2014). Leonardo da Vinci 'Painted Three Ermine Portraits'. *News*.

Ormiston, R. (2011). *The Life and Works of Leonardo da Vinci*. London: Hermes House.

Shau, K. (2018). *Lady with an Ermine Leonardo's Masterpiece*.